



تخلفات و مجازات‌های انتظامی کارشناسان رسمی دادگستری

ابراهیم جالبیان

وکیل پایه یک دادگستری
رئیس کانون وکلای دادگستری استان قم
کارشناس رسمی دادگستری



مقدمه

رجوع به کارشناس یکی از وسایل اثبات دعوی است که مبحث ششم از فصل دهم قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و ماده ۲۵۷ الی ۲۶۹ قانون مرقومه و همچنین ماده ۱۵۵ الی ۱۶۷ قانون آیین دادرسی کیفری به آن پرداخته است. ماده ۲۵۸ قانون یادشده، مقرر داشته دادگاه باید کارشناس موردوثوق را از بین کسانی که دارای صلاحیت در رشته مربوط به موضوع هستند، انتخاب نماید. ماده ۱۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری اشعار می‌دارد، هرگاه بازپرس رأساً یا به تقاضای یکی از طرفین، کارشناسی را ضروری بداند، قرار ارجاع امر به کارشناس رسمی صادر می‌نماید.

در ابتدا باید دانست کارشناس رسمی دادگستری چه کسی است و باید واجد چه شرایطی باشد و چگونه و از چه مبادی قانونی پروانه اخذ می‌نماید. کارشناس رسمی، کسی است که به‌ترتیب مقرر در قانون، انتخاب شده و پروانه کارشناسی رسمی را از کانون کارشناسان رسمی دادگستری، یا مرکز مشاوران و کارشناسان قوه قضاییه، موضوع ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اخذ می‌نماید. شرایط و ضوابط متقاضیان



فصل نامه علمی - تخصصی / سال سوم، شماره ۷ / پاییز ۱۴۰۳

اخذ پروانه کارشناسی رسمی دادگستری در ماده ۱۵ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱ مندرج است. یعنی اشخاصی که پس از گذراندن تشریفات قانونی، موفق به دریافت پروانه کارشناسی رسمی دادگستری در رشته‌ای که صلاحیت آن را دارند، می‌شوند. آنان می‌توانند از سوی مراجع قضایی یا اداری در امور فنی و تخصصی که صلاحیت آن را دریافت نموده‌اند، برای اظهارنظر کارشناسی انتخاب شوند.

قانون‌گذار شرایط سختی را برای ورود به کسوت کارشناسی رسمی تعیین نموده است. این سخت‌گیری قانون‌گذار به لحاظ مسئولیتی است که کارشناسان رسمی دادگستری عهده‌دار آن هستند. کارشناسان رسمی دادگستری چشم و گوش دستگاه قضایی هستند. آنان با ورود به مسائل فنی و تخصصی، گره‌گشای پرونده‌های پیچیده قضایی می‌شوند. اگر اشخاصی که واجد صلاحیت علمی و تخصصی لازم برای ورود به این کسوت را دارا نباشند، به این منصب وارد شوند، پرواضح است که آرای محاکم که بر پایه نظرات و گزارشات این‌گونه افراد صادر می‌شود، از اتقان کافی برخوردار نیست و هدف و غایت دادرسی عادلانه، که همانا رسیدن به عدالت است، محقق نخواهد شد. از این‌رو، کارشناسان رسمی دادگستری دارای تکالیف قانونی هستند و باید وظایف خود را به‌نحو مطلوب و در اسرع وقت انجام دهند.

قانون‌گذار عدول کارشناسان رسمی از تکالیف قانونی آن‌ها را مستوجب مجازات انتظامی دانسته است. بند د ماده ۵ قانون یادشده، دادسرا و دادگاه انتظامی را یکی از ارکان کانون کارشناسان رسمی دادگستری تلقی کرده است. ماده ۲۱ همان قانون، دادسرای انتظامی هر کانون را مرجع تعقیب تخلفات انتظامی کارشناسان متخلف حوزه آن کانون قرار داده است. ریاست دادسرای انتظامی بر عهده دادستان انتظامی است که به‌وسیله مجمع عمومی کانون کارشناسان انتخاب می‌شود. دادگاه انتظامی نیز مرجع رسیدگی به تخلفات انتظامی کلیه کارشناسان هر استان است. اعضای دادگاه متشکل از سه عضو است که به‌ترتیب مقرر در ماده ۲۳ قانون یادشده تعیین می‌شوند.



نحوه شکایت از کارشناسان رسمی دادگستری عضو کانون‌های کارشناسان رسمی دادگستری در ماده ۵۹ آیین‌نامه اجرایی قانون فوق، آمده است. لیکن در این مختصر، هدف بیان تخلفات انتظامی کارشناسان رسمی و مجازات‌های مقرر قانونی متخلفان است. با این مقدمه وارد بحث اصلی می‌شویم.

الف. معانی تخلف

برای واژه «تخلف» از حیث لغوی، معانی گوناگون ارائه شده است. از جمله آن معانی، «خلاف جستن، سرپیچی، روی گردانی» می‌باشد. در عالم حقوق عمومی، تجاوز مأمور دولت از مقررات اداری در حین انجام وظیفه را تخلف نامیده‌اند. در مقررات صنفی، نقض مقررات صنفی به وسیله یک نفر از افراد صنف را «تخلف انضباطی» می‌گویند. تخلفات انضباطی و انتظامی مانند جرم جزایی، صراحت و قاطعیت ندارد، به همین جهت، بی‌لیاقتی، عدم رعایت شئون صنفی و حرفه‌ای، و امور دیگر نیز جرم انضباطی محسوب می‌شود.

کیفر تخلف انضباطی و انتظامی تناسب و ارتباط با شغل و حرفه، یا سمت مرتکب تخلف دارد. از قبیل توبیخ با درج در پرونده، تعلیق موقت، انفصال موقت، محرومیت موقت یا دائم از آن حرفه یا شغل. برخلاف جرم جزایی که غالباً ارتباطی با شغل و حرفه مجرم ندارد و در موارد ممکن است ممنوعیت از یک شغل یا حرفه یا فعالیت اجتماعی به مدت محدود به‌عنوان مجازات تکمیلی برای مرتکب جرم در نظر گرفته شود.

ماده ۲ قانون مجازات اسلامی در تعریف جرم چنین بیان می‌دارد: «هر رفتاری که قانون‌گذار برای آن مجازات تعیین نموده.» برخی از حقوقدانان، تخلفات انتظامی را «شبه‌جرم» می‌دانند. بین جرم و تخلفات انتظامی در علم منطق و از حیث نسب اربعه، عموم و خصوص مطلق جاری است. یعنی بین دو کلی «جرم» و «تخلف»، این جرم است که کلیت و شمول آن به‌طور مطلق بیش از تخلف است. هر جرمی تخلف است. بعضی تخلفات جرم هستند، بعضی از تخلفات جرم نیستند.



برخی از تخلفاتی که کارشناسان مرتکب می‌شوند، جنبه جزایی دارد و واجد عنوان «مجرمانه» است. در این قبیل موارد، مرتکب علاوه بر مجازات‌های انتظامی که از سوی دادگاه انتظامی کارشناسان بر وی اعمال می‌شود، از سوی مراجع قضایی نیز قابل تعقیب و مجازات است. دسته عمده‌ای از تخلفات انتظامی کارشناسان، صرفاً جنبه انتظامی دارند و رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت مراجع انتظامی است.

ب. تخلفات انتظامی کارشناسان رسمی دادگستری

بند الف ماده ۲۶ قانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱ تخلفات کارشناسان رسمی دادگستری را برشمرده است.

۱. عدم حضور در مراجع صالحه در وقت مقرر، بدون عذر موجه

بند یک شق الف ماده ۲۶ قانون مذکور، عدم حضور کارشناس در مراجع صالح را بدون عذر موجه تخلف اعلام کرده است. از مفهوم ماده ۲۶۳ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی استنباط می‌شود، در صورتی که دادگاه کارشناس را برای ادای توضیح دعوت نماید، کارشناس مکلف است برای ادای توضیح در دادگاه حاضر شود. مفهوم ماده ۱۶۰ قانون آئین دادرسی کیفری نیز مشعر بر این است که کارشناس مکلف است در مرجع قضایی حاضر شود و به پرسش‌های مرجع موصوف پاسخ دهد. همچنین ماده ۱۶۳ این قانون به صراحت اذعان می‌دارد، باز پرس می‌تواند کارشناس را برای اخذ توضیح دعوت نماید.

با این اوصاف، در صورتی که کارشناس چه در مرجع قضایی حقوقی و چه در مرجع قضایی جزایی دعوت شود، مکلف است در مراجع مذکور حاضر شود و به پرسش‌های مرجع قضایی پیرامون گزارش کارشناسی پاسخ دهد. در اینجا پرسشی که وجود دارد این است که «مراجع صالح» که در قانون از آن نام برده شده است، چه مراجعی هستند؟

به نظر می‌رسد که منظور قانون‌گذار از واژه «مراجع صالح» در بند مذکور، علاوه بر مراجع قضایی، مراجع اداری است که امر کارشناسی را به کارشناسان ارجاع می‌کنند.



برای مثال، اگر شهرداری یا یکی از ادارات دولتی یا بانک‌ها، موضوعی را جهت کارشناسی به کارشناسان ارجاع نمایند، و کارشناس در موعد مقرر، بدون عذر موجه حاضر نشود، در این حالت کارشناس منتخب مرتکب تخلف انتظامی شده است. ماده ۱۸ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری، دستگاه‌های دولتی، وزارتخانه‌ها، شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی را مکلف کرده است که در مواردی که رجوع به کارشناسی لازم است، به استثنای مواردی که در قوانین و مقررات جاری کشور به گونه دیگری مقرر شده، از وجود کارشناس رسمی استفاده نمایند.

اگر مراجع مذکور به تکلیف قانونی خود عمل نمایند و در مواردی که نیاز به استفاده از خدمات کارشناسی دارند، کارشناس رسمی دادگستری را جهت انجام کارشناسی انتخاب کنند و کارشناس در وقت مقرر حاضر نشود و عدم حضور وی بدون عذر موجه تخلف نباشد، صرف نظر از اینکه ممکن است عدم حضور کارشناس باعث ورود خسارت شود، مقررات ماده ۱۸ قانون یادشده عقیم می‌ماند؛ زیرا قانون‌گذار از سویی ادارات و سازمان‌ها را مکلف کرده که در صورت نیاز به خدمات کارشناسی، از وجود کارشناسان رسمی استفاده نمایند و از سوی دیگر اگر کارشناس موظف نباشد که برای سازمان‌ها و ادارات، امر کارشناسی ارجاعی را انجام دهد، تکلیف قانون‌گذار در ماده ۱۸ قانون موصوف یک تکلیف بیهوده است و می‌دانیم که قانون‌گذار عمل عبث و بیهوده انجام نمی‌دهد و اصل بر این است که قانون‌گذار عالم است.

بر این اساس، به نظر می‌رسد عدم حضور کارشناس در وقت مقرر، بدون عذر موجه در مراجع اداری، تخلف محسوب می‌شود مقررۀ مذکور ضمانت اجرایی تخلف است.

حال جای این سؤال مطرح است که عذر موجه از منظر و دیدگاه مقنن چیست؟ ماده ۶۲ آیین‌نامه اجرایی قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری، در خصوص حضور کارشناس رسمی در دادسرا و دادگاه انتظامی کارشناسان مقرر داشته: «عذر موجه برای کارشناس، علاوه بر مقررات مندرج در ماده ۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی، شامل دعوت دادگاه‌ها و مراجع قانونی دیگر جهت اجرای قرار کارشناسی یا ادای توضیحات نزد مراجع مذکور نیز هست.»



ماده ۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی در باب معاذیر عدم حضور و کلای دادگستری در مراجع قضایی است و چنین اشعار می‌دارد: «و کلا مکلف‌اند در هنگام محاکمه حضور داشته باشند مگر دارای عذر موجهی باشند. جهات زیر عذر موجه محسوب می‌شود. ۱- فوت یکی از بستگان نسبی یا سببی درجه اول از طبقه دوم ۲- ابتلا به مرضی که مانع حرکت باشد یا حرکت مضر تشخیص داده شود. ۳- حوادث قهری از قبیل سیل و زلزله که مانع از حضور در دادگاه باشد. ۴- وقایع خارج از اختیار وکیل که مانع حضور وی در دادگاه شود. وکیل معذور مکلف است عذر خود را به‌طور کتبی با دلایل آن برای جلسه محاکمه به دادگاه ارسال دارد. دادگاه در صورتی به آن ترتیب اثر می‌دهد که عذر او را موجه بدانند...»

بنابراین، معاذیر موجه عدم حضور کارشناس رسمی در مراجع صالح به‌موجب مواد قانونی پیش‌گفته، پنج مورد است. چهار مورد آن در ماده ۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی ذکر شده و پنجمین مورد آن در ماده ۶۲ آیین‌نامه اجرایی قانون کارشناسان رسمی دادگستری مندرج شده است. برابر ماده قانونی مذکور، دعوت هم‌زمان در دو یا چند مرجع قضایی و اداری جهت اجرای قرار کارشناسی از معاذیر عدم حضور کارشناس است. در این مورد، حضور کارشناس در مرجعی که زودتر از مراجع دیگر کارشناس را دعوت کرده‌اند، ضروری است.

کارشناس در صورت داشتن معاذیر مذکور، باید مراتب را کتباً با ذکر دلایل و مستندات به مرجعی که وی را دعوت کرده، اعلام نماید. در غیر این صورت، کارشناس متخلف محسوب می‌شود. علاوه بر اعمال مجازات انتظامی از سوی مراجع انتظامی کانون کارشناسان، در صورتی که ارجاع امر کارشناسی از سوی مراجع قضایی باشد، با مهیا بودن شرایط ماده ۲۶۳ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۱۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری، ممکن است کارشناس به دستور مقام قضایی جلب شود و این امر تبعات و آثار مخربی بر شأن و جایگاه اجتماعی کارشناسی و کارشناس بر جای خواهد گذاشت.

۲. توسل به معاذیری که خلاف بودن آن‌ها بعداً ثابت شود

همان‌گونه که در بند یک ماده ۲۶ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری



توضیح داده شد، کارشناس باید در وقت مقرر در مراجع صالحه حضور یابد، مگر اینکه دارای عذر موجه باشد و عذر خود را همراه با مستندات و دلایل، به صورت کتبی به مرجعی که وی را دعوت کرده ارائه دهد. حال اگر به هر دلیلی مشخص شد که کارشناس عذری را که اعلام نموده برخلاف واقع بوده است؛ مثلاً کارشناس به مرجعی که او را دعوت کرده اعلام نماید که یکی از بستگان درجه اولش فوت نموده، ولی بعداً کشف شود که شخص مورد نظر کارشناس زنده است و فوت نکرده است. در این صورت، کارشناس مشمول این بند می‌شود و قابل تعقیب انتظامی است. هر چند قانون‌گذار برای دروغ‌گویی شخص نزد مراجع قضایی جز شهادت کذب و سوگند دروغ، مجازات تعیین نکرده است و اساساً دروغ‌گویی عمل مذموم و نکوهیده است و خلاف اخلاق می‌باشد، اما چون کارشناسان رسمی دادگستری در هنگام اخذ پروانه کارشناسی، سوگند یاد می‌نمایند که برخلاف واقع چیزی نگویند و ننویسند، پس اگر متوسل به معاذیر قانونی شوند و خلاف بودن آن‌ها ثابت شود، مرتکب تخلف شده و مستوجب مجازات هستند.

۳. مسامحه و سهل‌انگاری در اظهار نظر، هر چند مؤثر در تصمیمات مراجع صلاحیت‌دار باشد یا نباشد

معنای لغوی کلمه «مسامحه» عبارت است از آسان گرفتن، ساده‌انگاری، تهاون و تغافل و سستی و رزیدن و کوتاهی. معنی لغوی «سهل‌انگاری» آسان گرفتن بی‌مبالاتی و بی‌علاقگی می‌باشد. در اصطلاح، مسامحه اجتناب از انجام یک وظیفه و به تعویق انداختن کاری است که امروز نیز می‌توان آن را انجام داد. این دو واژه مرادف یکدیگر هستند و واو بین این دو کلمه واو عطف است، که دو کلمه مذکور را به هم وصل می‌کند. بر اساس معانی به کار برده شده برای واژه‌های «مسامحه» و «سهل‌انگاری»، مبرهن است که این کلمات در مواردی استعمال می‌شود که فاعل در انجام فعل فاقد سوءنیت باشد و به‌طور غیر عمد اقدامی انجام دهد. در غیر این صورت، مسامحه و سهل‌انگاری مصداق پیدا نمی‌کند.

بند ۳ شق الف ماده ۲۶ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری، مسامحه و



سهل‌انگاری کارشناس رسمی در اظهارنظر خود را تخلف فرض نموده است. هر چند این مسامحه و سهل‌انگاری کارشناس، در تصمیمات مراجع قضایی، یا اداری مؤثر باشد یا نباشد. برابر قوانین موضوعه اظهارنظر کارشناس به‌عنوان اماره قضایی پذیرفته شده است و یکی از ادله اثبات دعوی است.

کارشناسی موضوع خطیری است که در امر قضا، جان، مال و آبروی آحاد جامعه در مواردی به آن بستگی دارد و کسی که به این مهم گماشته می‌شود، وظیفه‌ای سنگین را عهده‌دار است. کارشناس حسب تکلیف و وظیفه‌ای که قانون بر عهده وی گذاشته، می‌بایست همواره در امر کارشناسی، دقت لازم را مبذول دارد و همه تلاش خود را معطوف آن دارد و گزارش کارشناسی خود را مستدل و صریح تهیه نماید و توضیحاتی که برای تبیین نظریه ضروری است، به‌طور کامل در آن منعکس نماید.

ماده ۱۹ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری به صراحت به این امر پرداخته و موضوع را به‌طور کامل اعلام کرده است. مقنن به هیچ نحوی سهل‌انگاری و مسامحه در اظهارنظر کارشناسی را قبول نکرده است، زیرا کارشناس به‌مثابه یک قاضی عمل می‌کند و به‌نحوی بین اصحاب دعوا قضاوت می‌کند.

برای مثال، هنگامی که در دعوای اختلاف بین کارفرما و پیمانکار، خواهان مدعی عدم انجام موضوع پیمان بوده و خواننده مدعی انجام تعهدات است و دادگاه جهت احراز واقعیت، موضوع را به کارشناسی ارجاع می‌کند، در اینجا کارشناس است که با ابزار و وسایل و تخصص و تبحری که دارد، قضاوت می‌کند که آیا خواننده موضوع پیمان را انجام داده است یا خیر؟ و اگر این نظریه با واقعیت و اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت داشته باشد، قاضی به آن ترتیب‌اثر می‌دهد و بر اساس نظریه کارشناس، رأی صادر می‌نماید. تسامح و تساهل از سوی بزرگان در بسیاری از امور پیشنهاد می‌شود، ولی در نظریه کارشناسی، ورود به این مقوله ممنوع است و قابل اغماض نیست؛ زیرا به حقوق اشخاص خلل وارد می‌آورد.

در برخی موارد، مرجع ارجاع امر به کارشناسی به نظریه کارشناسی ترتیب‌اثر نمی‌دهد، یا اینکه طرفین موضوع اختلاف خود را با سازش خاتمه می‌دهند، یا مدعی



ادعای خود را مسترد می‌نماید و مراجع قضایی و اداری پرونده را مختومه اعلام می‌نمایند. در این قبیل موارد نیز، اگر کارشناس در گزارش کارشناسی خود مسامحه و سهل‌انگاری نموده باشد، از دید قانون‌گذار این عمل وی مستوجب کیفر است. مؤثر نبودن گزارش کارشناسی در تصمیمات مراجع صالح، از معاذیر معاف‌کننده مجازات نیست و اگر کارشناس در نظریه کارشناسی خود مسامحه و سهل‌انگاری کرده باشد، مرجع انتظامی به تخلف وی رسیدگی می‌کند و مجازات قانونی را دربارهٔ وی اعمال خواهد نمود.

۴. تسلیم اسناد و مدارک به اشخاصی که قانوناً حق دریافت آن را ندارند، یا امتناع از تسلیم آن‌ها به اشخاصی که حق دریافت دارند.

همواره ممکن است کارشناس جهت امر کارشناسی به اسناد و مدارک طرفین دعوا نیاز داشته باشد تا بر اساس آن‌ها بتواند امر کارشناسی را به‌صورت صحیح و مطابق موازین انجام دهد. مطابق مادهٔ ۱۳۸۴ قانون مدنی، «سند عبارت است از هر نوشته که در مقام اثبات دعوی یا دفاع، قابل استناد باشد». ممکن است نوشته‌ای که به کارشناس داده شده، در پروندهٔ موضوع کارشناسی مستند نباشد، ولی این قابلیت را دارا باشد که در دعاوی دیگر به‌عنوان سند بتوان از آن استفاده کرد. قانون‌گذار در مادهٔ ۱۲۸۶ قانون مدنی سند را به دو نوع رسمی و غیررسمی تقسیم کرده و در مادهٔ ۱۲۸۷ اسنادی را که در ادارهٔ ثبت اسناد و املاک، یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مأموران رسمی در حدود صلاحیت آن‌ها طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشد را رسمی تلقی کرده است و اسناد دیگر که واجد این اوصاف نباشند را سند عادی می‌داند.

به نظر می‌رسد کلمهٔ «مدرک» که در مقررۀ یادشده به کار برده شده است، اعم از سند، یا شیء دیگری باشد که برای امر کارشناسی در اختیار کارشناس قرار می‌گیرد. البته در متون ادبی، معنای «مدرک» را «سند» ذکر کرده‌اند، ولی همان‌گونه که گفته شد، به نظر می‌رسد که شمول دایرهٔ مدرک گسترده‌تر از سند باشد. مثلاً اگر شیئی جهت آزمایش در اختیار کارشناس قرار گیرد، با توجه به تعریف قانونی سند، شیء مذکور را نمی‌توان در تعریف سند گنجانید. قانون‌گذار با علم به تعریف سند، کلمهٔ



مدرک را پس از آن استعمال کرده است. لذا اسناد و مدارکی که از سوی طرفین در اختیار کارشناس قرار می‌گیرد، اعم از اینکه سند رسمی باشد یا عادی، یا شیء، یا هر مدرک دیگری باشد، نزد وی به‌عنوان امانت است و می‌بایست به اشخاصی که قانوناً حق دریافت آن را دارند تسلیم شود.

کارشناس نباید اسناد و مدارک مذکور را به اشخاص دیگری تحویل دهد. منظور از اشخاص دیگر در مقررۀ قانونی مذکور، اعم از طرف مقابل ارائه‌کننده سند و مدرک، یا حتی مراجع قانونی دیگر است. برای مثال، اگر کارشناس سندی را از یکی از طرفین پرونده دریافت نموده است، باید آن سند را به همان شخص تحویل دهد. در این حالت، کارشناس نمی‌تواند سند موصوف را حتی به مرجعی که موضوع را به کارشناسی ارجاع کرده، تحویل نماید.

در صورت عدم رعایت مقررات مذکور، کارشناس علاوه بر اینکه مرتکب تخلف گردیده و از قسم‌نامه عدول کرده است. این عمل وی جنبۀ مجرمانه دارد و به استناد مادۀ ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات، در صورت شکایت شاکی به‌عنوان خائن در امانت می‌تواند تحت تعقیب مراجع قضایی ذی‌صلاح قرار گیرد.

۵. سوء رفتار و اعمال خلاف شئون شغلی

دارندگان مشاغلی چون کارشناسی رسمی، وکالت دادگستری، سردفتری اسناد رسمی و قضاوت می‌بایست شئون شغلی را که به آن اشتغال دارند، رعایت نمایند و رفتاری برخلاف شئون شغلی خویش انجام ندهند. مردم جامعه از کسانی که به این مشاغل اشتغال دارند، انتظاراتی دارند که از افراد دیگر اجتماع این انتظارات را ندارند؛ مثلاً اگر کسی در یک حرفه صنعتی اشتغال داشته باشد، با توجه به مقتضیات شغلی وی، مردم انتظار ندارند که او در هنگام کار، با لباس آراسته ظاهر شود. اما همین مردم از یک کارشناس رسمی توقع دارند که با لباس مناسب در اجتماع دیده شود.

کارشناس باید در رفتار و اخلاق و اعمال خود مواظبت نموده و همواره با حسن خلق با مراجع قضایی و اداری و اصحاب دعوا و ارباب رجوع برخورد نماید و آداب حرفه کارشناسی را رعایت کند. قانون‌گذار مصادیق رفتار و اعمال خلاف شأن را به‌جز یک



مورد (تبصره ۲ ماده ۶۹ آیین‌نامه اجرایی قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری) احصا ننموده و آن را به عرف جامعه و اگذار نموده است. زیرا عرف‌ها هستند که شئون را ایجاد می‌کنند و در هر مکانی این عرف‌ها متفاوت هستند. برای مثال، ممکن است در یک شهر کوچک، کارشناس رسمی دادگستری برای امرار معاش به شغلی مبادرت نماید و در آن شهر چنین اقدامی از سوی کارشناس، خلاف شأن محسوب نشود، ولی در یک کلان‌شهر، اگر کارشناس رسمی به آن شغل اشتغال داشته باشد، این عمل منافی شأن کارشناسی به حساب آید.

درنهایت، حفظ شئونات کارشناسی از مسائل بسیار مهم است که می‌بایست توسط تمامی کارشناسان رعایت شود. زیرا حرمت امامزاده با متولی آن است و اگر بخواهیم حرمت حرفه مقدس کارشناسی از سوی دیگران رعایت شود، باید ابتدا خود کارشناس به آن احترام گذارد و شئونات حرفه‌ای خود را مراعات کند. رعایت شئون کارشناسی از درجه اهمیت بالایی برخوردار است، به طوری که ماده ۲۵ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری پیش‌بینی کرده در صورتی که رئیس قوه قضاییه یا وزیر دادگستری، یا سه نفر از اعضای هیئت مدیره کانون کارشناسان از سوء رفتار، یا اعمال منافی یا شئون و حیثیت کارشناسی کارشناسان رسمی اطلاع حاصل کنند، می‌توانند با ارائه دلایل خود از دادگاه انتظامی تعلیق موقت او را تا صدور حکم قطعی بخواهند. ملاحظه می‌گردد که مقنن در تخلّفات دیگر، چنین شدت و حدتی به خرج نداده، ولی چون حیثیت و شئون کارشناسی جایگاه ویژه‌ای دارد، قانون‌گذار حتی تعلیق کارشناس را در نظر گرفته است و این مبین آن است که کارشناس همواره تحت مراقبت مقامات قضایی قرار دارد.

۶. نقض قوانین و مقررات در اظهار نظر کارشناسی

کارشناسی رسمی دادگستری یک امر تخصصی است و کارشناس می‌بایست در چهارچوب قوانین و مقررات جاری به اظهار نظر بپردازد و گزارشات و نظرات کارشناسی نباید برخلاف قوانین و مقررات باشد. شق ۶ بند الف ماده ۲۶ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری، نقض قوانین و مقررات در اظهار نظر کارشناس را تخلف محسوب



نموده است. منظور از نقض قوانین، نقض مقرراتی است که توسط مراجع قانون گذاری مصوب می‌گردد و کارشناس موظف است قوانین موصوف را در اظهارنظرهای خود رعایت نماید. اما به نظر می‌رسد واژه «مقررات» دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های مربوط به رشته کارشناسی باشد که کارشناس در آن صلاحیت دارد. برای مثال، کارشناس ثبتی در تعیین مالک یک پلاک ثبتی باید دفتر املاک اداره ثبت را ملاک قرار دهد و کسی را که در دفتر املاک، ملک به نامش است را به‌عنوان مالک معرفی نماید. زیرا ماده ۲۲ قانون ثبت مقرر می‌دارد: «همین که ملکی مطابق قانون در دفتر املاک به ثبت رسید، دولت فقط کسی را که ملک به اسم او ثبت شده، یا کسی که ملک مزبور به او منتقل گردیده و این انتقال در دفتر املاک به ثبت رسیده یا اینکه ملک مزبور از مالک رسمی ارتأ به او رسیده باشد، مالک خواهد شناخت.»

کارشناس نمی‌تواند با نادیده گرفتن ماده قانونی مذکور، شخصی را غیر از کسی که ملک در دفتر املاک به نامش هست را به‌عنوان مالک به مرجعی که کارشناسی را به او ارجاع کرده، معرفی کند. اگر کارشناس چنین نماید، متناقض با قوانین رفتار کرده و مستوجب مجازات انتظامی است. اگر سرعت مجاز در یک خیابان از سوی مراجع ذیصلاح ۶۰ کیلومتر در نظر گرفته شده باشد، کارشناس تصادفات نمی‌تواند به زعم خود، آن عدد را کمتر یا بیشتر در نظر بگیرد.

۷ - انجام کارشناسی و اظهارنظر با وجود جهات رد قانونی

ماده ۲۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی موارد معذور بودن کارشناس را همان موارد معذور بودن دادرسی دانسته است. قسمت اخیر تبصره ۲ ماده ۱۸ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری نیز جهات رد کارشناس رسمی را همان جهات رد دادرسی در قانون آیین دادرسی مدنی اعلام نموده است. ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی، موارد امتناع از رسیدگی دادرسی را احصا کرده است. با توجه به اینکه قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۴ اجرا شد، ماده ۴۲۱ این قانون موارد امتناع از رسیدگی دادرسی دادگاه‌های کیفری را برشمرده است. موارد رد دادرسی منعکس در ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی، اختلاف فاحشی با موارد رد دادرسی منعکس در ماده ۴۲۱



قانون آیین دادرسی کیفری ندارد.

چون ما در این مقال، موارد و جهات رد کارشناس را بررسی می‌کنیم، در اینجا برای عنوان کردن جهات رد، به جای کلمه «دادرس» از کلمه «کارشناس» استفاده می‌کنیم.

الف. قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین کارشناس با یکی از اصحاب دعوا در امور حقوقی، یا شریک یا معاون جرم در پرونده کیفری. منظور مقنن در این بند وارثین در طبقات ارث است. ماده ۸۶۲ قانون مدنی اشخاصی که به موجب نسب ارث می‌برند را در سه طبقه اعلام کرده است.

طبقه اول: پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد؛

طبقه دوم: اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها؛

طبقه سوم: اعمام و عمات و احوال و خالات و اولاد آنها.

ماده ۸۶۴ همان قانون، اشخاصی که به موجب سبب ارث می‌برند را هر یک از زوجین که در حین فوت دیگری زنده باشد، دانسته است. مطابق مقررات بالا، در صورتی که یکی از اصحاب پرونده قرابت‌های مذکور را با کارشناس داشته باشند، کارشناس از امر کارشناسی معذور است.

ب. کارشناس قیم یا مخدوم یکی از طرفین باشد، یا یکی از طرفین مباشر یا متکفل امور کارشناس یا همسر او باشد.

ج. کارشناس یا همسر یا فرزند او، وارث یکی از اصحاب دعوا در پرونده حقوقی یا شریک یا معاون جرم در پرونده کیفری باشد.

د. کارشناس سابقاً در موضوع دعوی اقامه شده، به عنوان دادرس یا داور یا کارشناس یا گواه اظهار نظر کرده باشد.

ه. بین کارشناس و یکی از طرفین یا همسر یا فرزند او، دعوی حقوقی یا جزایی مطرح شده باشد، یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور حکم قطعی دو سال نگذشته باشد.

و. کارشناس یا همسر یا فرزند او دارای نفع شخصی در موضوع مطروحه باشند.



ز. علاوه بر موارد مذکور، ماده ۳۳ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری، مداخله کارشناسان رسمی که مستخدم شاغل دولت یا مؤسسات دولتی یا شرکت‌های دولتی و غیره هستند را در دعاوی و سایر امور مستلزم امر کارشناسی که مربوط به دستگاه متبوع آن‌ها است، ممنوع اعلام کرده است، مگر اینکه در آن رشته، کارشناس رسمی دیگری وجود نداشته باشد، یا مرضی‌الطرفین باشند، یا آنکه کارمند مذکور طبق مقررات مربوط به آن دستگاه قانوناً ملزم به اظهار نظر باشد.

ح. بر مبنای مقررات ذیل ماده ۳۳ قانون مذکور، مراجع قضایی و ادارات دادگستری و ادارات ثبت اسناد و املاک نمی‌توانند امر کارشناسی رسمی را به کارشناسانی که کارمند شاغل قضایی یا اداری دادگستری یا ثبت اسناد و املاک باشند، ارجاع کنند؛ مگر اینکه در آن رشته جز قاضی، یا کارمند شاغل، کارشناس دیگری وجود نداشته باشد.

در صورتی که یکی از موارد موصوف در کارشناس وجود داشته باشد، کارشناس باید از اقدام به امر کارشناسی امتناع ورزد و جهت، یا جهات رد را قبل از مباشرت به کارشناسی کتباً به مرجعی که امر کارشناسی را به وی محول نموده اعلام نماید. اگر با وجود جهات رد کارشناس، مبادرت به امر کارشناسی نماید، مرتکب تخلف شده و قابل تعقیب انتظامی است.

۸. انجام کارشناسی و اظهار نظر در اموری که خارج از صلاحیت کارشناس است.

ماده ۱۹ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری، به صراحت اظهار می‌دارد، کارشناس رسمی موظف است در حدود صلاحیت خود، نظر کارشناسی را به مرجع ذی‌ربط تسلیم نماید. ماده ۲۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه را موظف کرده که کارشناس مورد وثوق را از بین کسانی که دارای صلاحیت در رشته مربوط به موضوع است، انتخاب کند. ماده ۱۵۶ از قانون آیین دادرسی کیفری اذعان می‌دارد، باز پرس کارشناس را به قید قرعه از بین کارشناسان رسمی دارای صلاحیت در رشته مربوط انتخاب می‌کند.



کارشناسان هر رشته بر اساس ضوابط تعیینی از سوی شورای عالی کارشناسان رسمی دادگستری، می‌توانند پس از سپری کردن مواعد مشخص و قبولی در آزمون‌های علمی و عملی موردنظر، صلاحیت خود را در رشته کارشناسی افزایش دهند و تا هنگامی که صلاحیت آنان افزایش نیافته، حق اظهارنظر کارشناسی در موضوعی که صلاحیت آن را اخذ نکرده‌اند، ندارند. نظام‌نامه نحوه اعطای صلاحیت‌های کارشناسی به استناد بند ب ماده ۷ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری، توسط شورای عالی کارشناسان رسمی شامل ۴ ماده و سه تبصره در مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۳۱ به تصویب رسیده است. کارشناسان بر مبنای نظام‌نامه یادشده، می‌توانند درخواست افزایش صلاحیت در رشته موردکارشناسی نمایند. برای مثال، کارشناس رشته راه و ساختمان تا زمانی که صلاحیت رسیدگی به اختلافات فی‌مابین کارفرمایان، مشاوران و پیمانکاران را اخذ نکرده باشد، نمی‌تواند در موضوع کارشناسی که اختصاص به این امر دارد دخالت کند و امر کارشناسی را انجام دهد.

بنابراین، انجام کارشناسی و اظهارنظر در اموری که خارج از صلاحیت کارشناس است، تخلف است و قابل تعقیب انتظامی.

۹. انجام کارشناسی و اظهارنظر برخلاف واقع و تبانی

بر مبنای بند ۹ قسمت الف ماده ۲۶ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری، انجام کارشناسی و اظهارنظر برخلاف واقع و تبانی، تخلف محسوب شده است. کارشناسان رسمی در هنگام اخذ پروانه کارشناسی باید در حضور هیئت‌مدیره و با حضور ریاست دادگستری استان یا نماینده وی، سوگند یاد نمایند. در متن سوگندنامه، کارشناس سوگند یاد می‌کند که به راستی و درستی نظر خود را اظهار نماید و اغراض شخصی خود را در آن دخالت ندهد و تمام نظر خود را نسبت به موضوع کارشناسی اظهار نماید و هیچ چیز را مکتوم ندارد و برخلاف واقع چیزی نگوید و ننویسد و رازدار و امین باشد. کارشناس حسب وظیفه قانونی، می‌بایست در نظریه خود واقعیات را در نظر بگیرد. آنچه مشاهده می‌نماید را گزارش دهد و بر اساس اسناد و مدارک معتبر و با استدلال صحیح و به صورت صریح، اظهارنظر نماید. کارشناسی که بر مبنای شنیده‌های خود و نه



بر اساس اسناد و مدارک و مشاهدات و بررسی‌های لازم اظهارنظر نماید، ممکن است اظهارنظرش برخلاف واقع باشد؛ زیرا هریک از طرفین پرونده خود را محق می‌دانند و احتمال دارد موضوع را طوری بیان نمایند که با واقعیت هم‌خوانی نداشته باشد.

کارشناس نباید فقط به صحبت‌های اصحاب دعوی بسنده نماید، بلکه باید تمام راهکارهایی را که برای کشف حقیقت لازم است، انجام دهد و پس از بررسی‌های لازم و احراز واقعیت، مبادرت به اظهارنظر نماید. برای مثال، اگر کارشناس موضوعی را برخلاف آنچه هست، در نظریه خود بیاورد، وی مرتکب تخلف شده است.

تبانی و مواضعه با هریک از طرفین و اصحاب دعوا، یکی دیگر از تخلفات انتظامی است. این عمل به‌دور از شخصیت کارشناس است. فلسفه وجودی دستگاه قضایی و مشاغل وابسته به آن، از قبیل کارشناسی احقاق حق ستمدیدگان است. حال اگر شخصی در قالب و لباس کارشناسی با تبانی با یکی از اصحاب دعوی نظریه‌ای خلاف واقع بدهد، فلسفه وجودی عدالت را دچار تزلزل نموده است.

اظهارنظر برخلاف واقع، علاوه بر تخلف بودن، واجد جنبه مجرمانه است. ماده ۳۷ از قانون یادشده، اظهارنظر برخلاف واقع کارشناس و عدم ذکر تمام مآلوقع در نظریه توسط کارشناس در صورتی که با سوءنیت باشد را جرم دانسته و کارشناسی که چنین اقدامی نماید را جاعل در اسناد رسمی محسوب کرده است و به‌موجب ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات، جاعل در سند رسمی، مشمول مجازات حبس یا جزای نقدی می‌گردد. بنابراین قانون‌گذار سخت‌گیری ویژه‌ای را در این خصوص مبدول نموده است.

۱۰. انجام کارشناسی و اظهارنظر با پروانه‌ای که اعتبار آن منقضی شده است
کارشناسان رسمی مکلفاند هر دو سال یک بار، با پرداخت حق عضویت و رعایت تشریفات دیگر قانونی، نسبت به تمدید پروانه کارشناسی خود اقدام نمایند. در صورتی که کارشناس از تمدید پروانه خود، به هر دلیل امتناع نموده باشد، نمی‌تواند در هیچ مرجعی اظهارنظر کارشناسی نماید. نادیده انگاشتن این موضوع مستلزم مجازات انتظامی است. البته عدم تمدید پروانه کارشناسی باعث سلب تخصص، یا



ابطال پروانه کارشناسی نمی‌شود و به نظر می‌رسد اگر کارشناسی گزارش کارشناسی خود را به مرجع مربوط ارائه دهد، خللی در نظریه به وجود نمی‌آورد، ولی چون مقررات حرفه‌ای و صنفی را نقض کرده است، به استناد بند ۱۰ قسمت الف ماده ۲۶ قانون یادشده، مستوجب مجازات انتظامی است.

۱۱. افشای اسرار و اسناد محرمانه

افشای اسرار حرفه‌ای افشای امری است که به مناسبت شغل و حرفه‌ای در اختیار فرد قرار می‌گیرد و مصلحت مشروع اقتضا می‌کند که آن امر مخفی بماند. «سر» در لغت به هر کار پوشیده و مخفی اطلاق می‌گردد. برای سر ملاک‌های اساسی در نظر گرفته شده است؛ اول اینکه افشای مطلب و سند به آبرو و حیثیت فرد لطمه وارد کند. دوم مصلحت اقتضا نماید که آن سر مخفی بماند. سوم افراد محدودی آن راز و سر را بدانند.

کارشناس رسمی دادگستری، همان‌گونه که در قسم‌نامه موضوع ماده ۱۷ قانون مرقومه آمده است، رازدار و امین است. کارشناس می‌بایست حافظ اسراری باشد که لزوماً جهت کارشناسی در اختیار وی قرار گرفته است و در غیر از موارد قانونی، نمی‌تواند اسرار مردم را افشا کند و در صورت افشای راز و سر مردم، با شرایطی که عنوان شد، علاوه بر مجازات انتظامی، به موجب ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، این فعل و رفتار کارشناس جرم محسوب می‌شود و واجد مجازات.

در سال ۱۳۵۳ قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی به تصویب رسیده است. اطلاعات طبقه‌بندی‌شده و غیرقابل انتشار دستگاه‌های دولتی یا وابسته به دولت در چهار طبقه «محرمانه»، «خیلی محرمانه»، «سری»، و «به کلی سری» دسته‌بندی می‌شود و دسترسی به اسناد طبقه‌بندی‌شده توسط افراد غیرمسئول جرم است. اگر کارشناسی جهت اظهار نظر خود در موضوع کارشناسی و پس از تشریفات خاص به اسناد طبقه‌بندی شده دسترسی حاصل نماید، به هیچ وجه نمی‌تواند این گونه اسناد را افشا کند. در صورت افشای چنین اسنادی، ایشان مرتکب تخلف انتظامی گردیده و نیز مرتکب جرم شده است و مطابق مواد قانونی مذکور، قابل تعقیب و مجازات است.



۱۲. اخذ وجه یا مال یا قبول خدمت مازاد بر تعرفه دستمزد و هزینه مقرر در قوانین یا دستورات مراجع صلاحیت‌دار

مطابق ماده ۲۹ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری، دستمزد کارشناسان رسمی طبق تعرفه‌ای است که به تصویب رئیس قوه قضاییه رسیده است و هر دو سال یک بار، قابل تجدیدنظر است. ماده ۲۶۴ قانون آیین دادرسی مدنی حق الزحمه کارشناس را با رعایت کمیت و کیفیت و ارزش کار کارشناس، بر عهده دادگاه قرار داده است. دریافت وجه یا مال یا قبول خدمات مازاد بر تعرفه، یا مازاد بر دستور دادگاه از طرفین و اصحاب دعوا، رفتاری خلاف مقررات کارشناسی بوده و مشمول بند ۱۲ از شق الف ماده ۲۶ قانون صدرالذکر است.

نکته قابل ذکر در اینجا این است که هنگامی که ادارات دولتی، یا اشخاص حقوقی و حقیقی قصد استفاده از خدمات کارشناسان رسمی را داشته باشند، می‌بایست مطابق تعرفه مصوب رئیس قوه قضاییه، دستمزد کارشناس را پرداخت نمایند. اما بر اساس مقررات قانونی و رویه موجود، مراجع قضایی تکلیفی در تبعیت از آیین‌نامه تعرفه مذکور ندارند. مراجع قضایی می‌توانند دستمزد کارشناس رسمی را کمتر از تعرفه مصوب تعیین نمایند.

۱۳. انجام کارشناسی و اظهارنظر در زمان تعلیق، محرومیت از حقوق اجتماعی، یا اثبات فقد شرایط موضوع ماده ۱۵ قانون

بند ۱۳ از قسمت الف ماده ۲۶ قانون پیش گفته، اقدامات یادشده در بالا توسط کارشناس رسمی را تخلف اعلام نموده است.

در صورتی که کارشناس توسط دادگاه انتظامی معلق شود، از تاریخ ابلاغ رأی دادگاه انتظامی به وی، حق اظهارنظر کارشناسی را در هیچ مرجعی ندارد و در صورتی که امر کارشناسی از سوی مراجع قضایی یا اداری به چنین کارشناسی ارجاع شود، ایشان می‌بایست مراتب معذور بودن خود را کتباً به آن مراجع اطلاع دهد. همچنین هرگاه کارشناس به موجب رأی قطعی محاکم واجد صلاحیت، به عنوان محرومیت از حقوق اجتماعی از کارشناسی ممنوع شود، در مدت محرومیت، حق اظهارنظر کارشناسی را



کانون کارشناسان رسمی دادگستری

نخواهد داشت.

هیئت مدیره کانون در صورت احراز زوال و ثاقت و شرایط مذکور در ماده ۱۵ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری، در مورد کارشناس رسمی به طور موقت از تمدید پروانه وی خودداری می‌کند و سریعاً موضوع را به دادگاه انتظامی کانون اعلام می‌نماید و مرجع مذکور مکلف است حداکثر سه ماه از تاریخ و صول گزارش هیئت مدیره نسبت به موضوع اتخاذ تصمیم کند و نظر نهایی خود را اعلام نماید. در صورتی که دادگاه انتظامی با نظر هیئت مدیره موافق باشد، کارشناس را معلق و پروانه کارشناسی وی را ابطال می‌نماید. پس از صدور رأی دادگاه و نیز در مدتی که پروانه کارشناس به طور موقت تمدید نگردیده، کارشناس حق اظهار نظر کارشناسی را نخواهد داشت.

ج. مجازات‌های انتظامی کارشناسان رسمی دادگستری

بند ب ماده ۲۶ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری، مجازات‌های انتظامی کارشناسان را احصا نموده است، که به شرح ذیل است.

۱. مرتکبین هر یک از تخلفات بر شمرده در بندهای ۱ و ۲ و ۳ بند الف ماده ۲۶ قانون مذکور به یکی از مجازات‌های توبیخ با درج در پرونده کارشناس در کانون (مجازات درجه یک)، یا محدود کردن اختیارات فنی کارشناس رسمی برای مدت یک سال (مجازات درجه دو)، یا محدود کردن اختیارات فنی کارشناس رسمی برای مدت سه سال (مجازات درجه سه) محکوم می‌شوند.

۲. مرتکبین هر یک از تخلفات احصایی در بندهای ۴ و ۵ و ۶ بند الف ماده ۲۶ قانون یادشده، به یکی از مجازات‌های محدود کردن اختیارات فنی کارشناس رسمی برای مدت سه سال (مجازات درجه سه)، یا محرومیت از اشتغال به امر کارشناسی رسمی از سه ماه تا یک سال (مجازات درجه چهار) یا محرومیت از اشتغال به امر کارشناس رسمی از یک تا سه سال (مجازات درجه پنج) محکوم می‌شود.

۳. مرتکبین هر یک از تخلفات در بندهای ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ قسمت الف ماده ۲۶ قانون موصوف، به یکی از مجازات‌های محرومیت از اشتغال به امر کارشناسی



رسمی از یک سال تا سه سال (مجازات درجه پنج)، یا محرومیت دائم از اشتغال به امر کارشناس رسمی (مجازات درجه شش) محکوم می‌گردند.

۴. مرتکبین تخلف بند ۱۳ از قسمت الف ماده ۲۶ قانون مرقومه، به مجازات انتظامی در درجه شش یعنی، محرومیت دائم از اشتغال به امر کارشناسی محکوم می‌شوند.

۵. مجازات لغو پروانه کارشناسی؛ مجازات لغو پروانه کارشناسی از مجازات‌های معنون در ماده ۲۶ قانون مذکور نیست، ولی تبصره ۳ ماده قانونی موصوف، اشعار می‌دارد: هیئت‌مدیره هر کانون مکلف است از تمدید پروانه کارشناسی رسمی کسانی که سه بار ظرف سه سال به مجازات انتظامی محکوم می‌شوند، خودداری کند. این‌گونه کارشناسان رسمی می‌توانند پس از مدت دو سال از تاریخ لغو پروانه، مجدداً تقاضای تمدید پروانه کارشناسی رسمی نمایند؛ مگر اینکه به مجازات انتظامی محرومیت دائم یا موقت از اشتغال به امر کارشناسی رسمی محکوم شده باشند.

۶. محدود شدن صلاحیت فنی کارشناس به موجب تصمیم شورای عالی کارشناسان رسمی دادگستری

علاوه‌بر مجازات‌های انتظامی مقرر در فوق، به‌موجب ماده ۳۲ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری، در مواردی که هیئت‌مدیره هر کانون استان، تجدیدنظر در صلاحیت فنی کارشناس رسمی را ضروری تشخیص دهد، پیشنهاد خود را با دلایل مربوط به شورای عالی کارشناسان ارائه خواهد نمود. شورای عالی، با کسب نظر مشورتی از کمیسیون تشخیص صلاحیت علمی و فنی رشته مربوط، تصمیم نهایی را درخصوص موضوع اتخاذ می‌نماید. هیئت‌مدیره هر کانون پس از دریافت تصمیم شورای عالی مبنی بر موافقت با محدود کردن صلاحیت فنی کارشناس رسمی، تصمیم یادشده را اجرا می‌کند. اعاده صلاحیت کارشناس رسمی منوط به شرکت و موفقیت در کلاس‌های بازآموزی یا کلاس‌های مشابه مورد تأیید کانون مربوط و با موافقت شورای عالی کارشناسان خواهد بود.

